

# سوره حجر

شماره: ۱۵  
محل نزول: مکه

جزء: ۱۴  
ترتیب نزول: ۵۴

تعداد آیه: ۹۹

ahlolbait.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش  
همیشگی.

الرَّجَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ

الر این [آیات بلند مرتبه] آیات کتاب الهی و آیات قرآن

روشنگر [با عظمت] است. (۱)

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ

کافران [هنگام روبرو شدن با عذاب] چه بسا آرزو می کنند

که کاش تسلیم [فرمان های خدا] بودند. (۲)

ذَرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

بگذارشان تا بخورند و [با لذایذ مادی و زودگذر] کامرانی کنند، و  
آرزوها، سرگرمشان نماید؛ سپس [حقانیت اسلام و فرجام شوم  
خود را] خواهند فهمید. (۳)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ

و هیچ شهری را [به خاطر فساد فراگیرش] نابود نکردیم مگر اینکه  
برای آن سرنوشتی معین [وروزگار و دوره ای تغییرناپذیر] بود. (۴)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ

هیچ ملتی از اجل معین خود نه پیش می افتد و نه پس

می ماند. (۵)

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ

و گفتند: ای کسی که قرآن بر او نازل شده! قطعاً تو دیوانه ای!

(۶)



لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

اگر [درباره پیامبری ات] راست می گویی، چرا فرشتگان را

نزد ما نمی آوری؟! (۷)

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ

[اینان بدانند که] ما فرشتگان را جز به درستی و راستی نازل نمی‌کنیم، و در آن هنگام [که نازل شوند، این منکران لجوج از دچار شدن به عذاب] مهلت نمی‌یابند. (۸)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن [از

تحریف و زوال] هستیم. (۹)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ

و بی تردید ما پیش از تو هم پیامبرانی را در امت های پیشین

فرستادیم. (۱۰)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و هیچ پیامبری به سوی آنان نمی آمد مگر آنکه او را مسخره

می کردند. (۱۱)

كَذَلِكَ نَسُكُّهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

ما این گونه [که قابل فهمیدن باشد] قرآن را وارد قلوب

بدکاران می کنیم. (۱۲)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ<sup>ط</sup> وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ

[با این همه] به آن ایمان نمی آورند، و البته روش پیشینیان هم [در مسخره کردن آیات خدا و استهزای پیامبران] به همین صورت بوده است. (۱۳)

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ

و اگر [برای دریافت حقایق و معارف] دری از آسمان به روی

آنان بگشاییم، که همواره از آن بالا روند. (۱۴)



لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ

باز خواهند گفت: یقیناً ما چشم بندی شده ایم، بلکه

گروهی جادو شده هستیم. (۱۵)

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ

به راستی که ما در آسمان، برج هایی قرار دادیم و آن را برای

بینندگان [به شکل صورت های فلکی] آراستیم. (۱۶)

وَحَفِظْنَاَهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم. (۱۷)

إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ

مگر آنکه دزدانه [خبرهای عالم بالا را] بشنود، که شهابی

روشن او را دنبال می کند. (۱۸)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ  
كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ

و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه های استوار افکندیم، و از  
هر گیاه موزون و سنجیده ای در آن رویانیدیم. (۱۹)

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ

و در آن برای شما و کسانی که روزی دهنده آنان نیستید،

انواع وسایل و ابزار معیشت قرار دادیم. (۲۰)

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ  
مَعْلُومٍ

و هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه هایش نزد ماست، و آن  
را جز به اندازه معین نازل نمی کنیم. (۲۱)

وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ

و بادها را باردار کننده فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم و  
شما را با آن سیراب ساختیم و شما ذخیره کننده آن نیستید. (۲۲)



وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ

و یقیناً ماییم که حیات می دهیم، و می میرانیم و ما وارث

[جهان و جهانیان] هستیم. (۲۳)

وَلَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ

و بی تردید [حالات، اعمال و شمار] پیشینان شما و

آیندگان را می دانیم. (۲۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

و مسلماً پروردگار توست که محشورشان می کند؛ زیرا او

حکیم و داناست. (۲۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ

و ما انسان را از گلی خشک که برگرفته از لجنی متعفن و تیره

رنگ است، آفریدیم. (۲۶)

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ

و جن را پیش از آن از آتشی سوزان و بی دود پدید آوردیم.

(۲۷)

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ  
حَمًا مَسْنُونٍ

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من  
بشری از گل خشک که برگرفته از لجنی متعفن و تیره رنگ است،  
می آفرینم. (۲۸)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

پس چون او را درست و نیکو گردانم و از روح خود در او

بدمم، برای او سجده کنان بيفتيد. (۲۹)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

پس همه فرشتگان بدون استثناء سجده کردند. (۳۰)



إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

مگر ابلیس که از اینکه با سجده کنان باشد، امتناع کرد.

(۳۱)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

[خدا] گفت: ای ابلیس! تو را چه شده که با سجده کنان

نیستی؟ (۳۲)

قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ  
مَسْنُونٍ

گفت: من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک و  
برگرفته از لجنی متعفن و تیره رنگ آفریدی، سجده کنم!! (۳۳)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ

[خدا] گفت: از این [جایگاه والا که مقام مقربان است]

بیرون رو که رانده شده ای، (۳۴)

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

و بی تردید تا روز قیامت لعنت بر تو خواهد بود. (۳۵)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که [همگان] برانگیخته

می شوند، مهلت ده. (۳۶)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

[خدا] گفت: تو از مهلت یافتگانی، (۳۷)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

تا روز [آن] وقت معین. (٣٨)



قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ  
وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

گفت: پروردگارا! به سبب اینکه مرا گمراه نمودی، من هم یقیناً [همه  
کارهای زشت را] در زمین برای آنان می آرایم [تا ارتکاب زشتی ها  
برای آنان آسان شود] و مسلماً همه را گمراه می کنم. (۳۹)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ

مگر [آن] بندگانت را که خالص شدگان [از هر نوع آلودگی

ظاهری و باطنی] اند. (۴۰)

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ

خدا فرمود: این [پیراسته شدن از هر ناخالصی] راهی است  
مستقیم [که تحققش در وجود بندگان مخلصم] برعهده من  
[است.] (۴۱)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ  
الْغَاوِينَ

قطعاً تو را بر بندگانم تسلطی نیست، مگر بر گمراهانی که از

تو پیروی می کنند. (۴۲)

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ

و مسلماً دوزخ، وعده گاه همگی آنان است. (۴۳)

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ

برای آن هفت در است، برای هر دری گروهی از پیروان

شیطان تقسیم شده اند. (۴۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

به یقین، پرهیزکاران در بهشت ها و چشمه سارها هستند.

(۴۵)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ

[به آنان گویند:] با سلامت و امنیت وارد آنجا شوید. (۴۶)



وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ  
مُتَقَابِلِينَ

و آنچه از دشمنی و کینه در سینه هایشان بوده برکنده ایم که  
برادروار بر تخت هایی روبروی یکدیگرند. (۴۷)

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ

در آنجا خستگی و رنجی به آنان نمی رسد و هیچ گاه از

آنجا اخراج نمی شوند. (۴۸)

نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

به بندگانم خبر ده که یقیناً من [نسبت به مؤمنان] بسیار

آمرزنده و مهربانم. (۴۹)

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ

و اینکه عذابم [برای مجرمان] همان عذاب دردناک است.

(۵۰)

وَنَبِّئُهُمْ عَنِ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ

و نیز آنان را از مهمانان ابراهیم خبر ده. (۵۱)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِئُونَ

هنگامی که بر او وارد شدند، پس سلام گفتند. [ابراهیم]

گفت: ما از شما ترسانیم. (۵۲)

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

گفتند: نترس که ما تو را به پسر دانا مژده می دهیم. (۵۳)

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ

گفت: آیا با آنکه پیری به من رسید، مژده ام می دهید؟ به چه

مژده می دهید؟ (۵۴)



قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ

گفتند: تو را به بشارتی درست و به حق [که واقع شدنی

است] مژده دادیم؛ بنابراین از ناامیدان مباش. (۵۵)

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ

گفت: چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش ناامید

می شود؟! (۵۶)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

[سپس] گفت: ای فرستادگان! کار مهم شما چیست؟ (۵۷)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

گفتند: ما به سوی قومی گنهگار فرستاده شده ایم [تا

نابودشان کنیم.] (۵۸)

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ

مگر خاندان لوط را که قطعاً همه آنان را نجات می دهیم،

(۵۹)

إِلَّا امْرَأَتُهُ قَدَرْنَا<sup>۱</sup> لَهَا<sup>۲</sup> لَمِنَ الْغَابِرِينَ

مگر همسرش را که [به سبب روی گردانی اش از حق] مقدر کرده

ایم از بازماندگان [در شهر و نابودشوندگان] باشد. (۶۰)

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ

پس هنگامی که فرستادگان خدا نزد خاندان لوط آمدند،

(۶۱)

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مِّنْكَرُونَ

لوط گفت: بی تردید شما گروهی ناشناخته اید. (۶۲)



قَالُوا بَلْ جِنَّاتِكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ

گفتند: [نه، ما آشنا هستیم] با چیزی نزد تو آمده ایم که

قومت همواره در آن تردید داشتند. (۶۳)

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

و ما واقعیتی قطعی و مسلّم را [که همان عذاب الهی است،  
جهت نابودی مردم] برای تو آورده ایم و یقیناً راستگوییم. (۶۴)

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ  
مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ

پس [چون] پاره ای از شب [گذشت] خاندانت را کوچ ده و  
خودت دنبال آنان برو و هیچ یک از شما [به شهر] بازنگردد، و  
آنجا که مأمور هستید، بروید. (۶۵)

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هُوْلَاءِ مَقْطُوعٌ  
مُصْبِحِينَ

ما [کیفیت] این حادثه [بزرگ] را به او وحی کردیم که هنگامی که  
مجرمان وارد صبح شوند، بنیادشان برکنده خواهد شد. (۶۶)

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ

و اهل شهر [با آگاه شدن از مهمانان لوط] شادی کنان [به

خانه لوط] آمدند. (۶۷)

قَالَ إِنَّ هُوَ لَأَيْ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ

لوط گفت: اینان مهمانان منند، آبروی مرا نبرید. (۶۸)

وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ

از خدا پروا کنید و مرا [نزد مهمانانم] خوار و بی مقدار

نسازیید. (۶۹)

قَالُوا أَوْلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ

گفتند: مگر ما تو را [از مهمان کردن] مردمان نهی نکردیم؟

(۷۰)



قَالَ هُوَ لَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

[لوط] گفت: اگر می خواهید [کار درست و معقولی] انجام

دهید، اینان دختران منند [که برای ازدواج مناسبند.] (۷۱)

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ

[ای پیامبر!] به جان تو سوگند، آنان در مستی خود فرو رفته و

سرگردان بودند. (۷۲)

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُشْرِقِينَ

پس به هنگام طلوع آفتاب، صدایی [مرگبار و وحشتناک و

غرش‌ی سهمگین] آنان را فرا گرفت. (۷۳)

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ

در نتیجه آن شهر را زیر و رو کردیم و بر آنان سنگ هایی از

جنس سنگِ گل بارانندیم. (۷۴)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ

قطعاً در این [سرگذشت آسفبار و حادثه عبرت آموز] نشانه هایی  
[از قدرت خدا و خواری و رسوایی مجرمان] برای هوشمندان [که  
جستجوگر علل حوادث اند] وجود دارد. (۷۵)

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ

و آن [آثار و بقایای شهر ویران شده قوم لوط] بر سر راهی

است که پابرجاست. (۷۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

مسلماناً در این [شهر ویران شده] برای مؤمنان نشانه ای  
[پندآموز] است. (۷۷)

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَالِمِينَ

و بی تردید اهل ایکه [قوم شعیب] ستمکار بودند. (۷۸)



فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمُ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ

در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم، و [آثار] دو شهر نابود شده  
[قوم لوط و شعیب] بر سر جاده ای آشکار قرار دارد. (۷۹)

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ

و به راستی اهل [دیوار] حجر [که سرزمینی میان مدینه و شام

است] پیامبران را تکذیب کردند. (۸۰)

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

و ما آیات و نشانه های خود را به آنان نشان دادیم، ولی از

آنان روی گردان شدند. (۸۱)

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ

و همواره از کوه ها خانه ها می تراشیدند در حالی که [به خیال  
خود به سبب استحکام آن خانه ها] ایمن [از حوادث] بودند.

(۸۲)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ

پس هنگامی که به صبح درآمدند، صدایی [مرگبار و  
وحشتناک و غرشی سهمگین] آنان را فرا گرفت. (۸۳)

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

و آنچه [از بناهای محکم و استواری که] فراهم می آوردند،

عذاب خدا را از آنان دفع نکرد. (۸۴)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ  
وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ

و آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دوتاست، جز به حق  
نیافریدیم، و بی تردید قیامت آمدنی است؛ پس [در برابر  
ناهنجاری های مردم] گذشتی کریمانه داشته باش. (۸۵)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

یقیناً پروردگارت همان آفریننده داناست. (۸۶)



وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ

و به راستی که هفت آیه از مثانی [یعنی سوره حمد] و قرآن

بزرگ را به تو عطا کردیم. (۸۷)

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ  
عَلَيْهِمْ وَارْحَمْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي سَعْيٍ مَّبْذُورٍ

بنابراین به امکانات مادی [و ثروت و اولادی] که برخی از گروه های آنان را از  
آن برخوردار کردیم، چشم مدوز، و بر آنان [به سبب اینکه پذیرای حق  
نیستند] اندوه مخور، و پر و بال [لطف و مهربانی] خود را برای مؤمنان فرو

گیر. (۸۸)

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ

و [به اخلاص گران در امر دین] بگو: بی تردید من بیم دهنده

آشکارم. (۱۹)

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ

[عذابی به سوی شما می فرستیم] همان گونه که بر تفرقه

افکنان [در دین] فرستادیم. (۹۰)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ

همانان که قرآن را بخش بخش کردند [بخشی را پذیرفتند و

از پذیرفتن بخشی دیگر روی گرداندند.] (۹۱)

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

به پروردگارت سوگند، قطعاً از همه آنان بازخواست

می‌کنیم. (۹۲)

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

از اعمالی که همواره انجام می داده اند. (۹۳)

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

پس آنچه را به آن مأموری اظهار کن و از مشرکان روی

بگردان. (۹۴)



إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ

که ما [شرّ] استهزا کنندگان را از تو بازداشته ایم. (۹۵)

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

همانان که با خدا معبود دیگری قرار می دهند، پس خواهند دانست [که مرتکب چه خطای بزرگی شده اند و مستحق چه عذابی هستند.] (۹۶)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ

ما می دانیم که تو از آنچه [مشرکان] می گویند، دلتنگ

می شوی. (۹۷)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

پس [برای دفع دلتنگی] پروردگارت را همراه با سپاس و

ستایش تسبیح گوی و از سجده کنان باش. (۹۸)

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ

و پروردگارت را تا هنگامی که تو را مرگ بیاید، بندگی کن.

(۹۹)